

# بازی پاکستان با ورق بنیاد گرایی،

## تروریسم و افراط گرایی

قسمت چهارم

استاد (صبح)



آی اس آی، میان "طالبان" و بقای پاکستان باید یکی را انتخاب کند



من تصور نمی کنم که بتوان "طالبان" را از قدرت در پاکستان و افغانستان حذف کرد. چرا که این احتمال وجود دارد که دولت مناطق پشتون نشین را به "طالبان" واگذار کند. یعنی این زمزمه ها وجود دارد که در یازده ایالت واقع در افغانستان به اضافه سرحدات پاکستان به اضافه مناطق سواحلی، حکومتیایی به وجود بیاید که "طالبان" در آن حکومت اسلامی خاص خود را تشکیل داده و در عین حال کشور هم از خطر تجزیه نجات یابد.

حملات انتحاری و تروریستی در پاکستان اخیر افزایش یافته و با در نظر داشت فضای حاکم بر منطقه، این کشور همچنان آستان حملات انتحاری از سوی نیروهای "طالبان" است. البته اردوی پاکستان

توانسته است نیروهای "طالبان" را از منطقه دره سوات در شمال غربی اسلام آباد بیرون براند و در ماه اکتبر سال گذشته نیز اردو، عملیات خود در منطقه وزیرستان جنوبی در نزدیکی مرز با افغانستان آغاز کرده است. اما همین مسئله "طالبان" (پاکستان) را به خشم آورده و همسویی دولت با نیروهای آمریکایی افزایش حملات تروریستی را به دنبال داشته است.

**پیرمحمد ملازهی، کارشناس شبه‌قاره به تجزیه و تحلیلی فضای حاکم بر این منطقه و دلایل شدت گرفتن حملات انتحاری می‌گوید: پاکستان طی ماههای اخیر شاهد افزایش بمب‌گذاری در شهرهای مختلف بوده است، دلیل اوج گرفتن این حملات چیست؟**

از زمان تغییر خط مشی دولت پاکستان تحت فشار آمریکایی‌ها در قبال "طالبان" و سازمان القاعده و به خصوص بعد از روی کار آمدن حزب مردم و حصول به تفاهم کلی دولت با آمریکا این انتظار وجود داشت که "طالبان" در مجموع، اعم از "طالبان" پاکستان و افغانستان و سازمان القاعده- که عمدتاً عرب هستند- و چه "طالبان" محلی پاکستان که ارتباط نزدیکی با "طالبان" افغانستان داشته و از یک خط فکری برخوردارند چنین واکنشی از خود نشان بدهند.

البته پاکستانی‌ها زیرکی خاصی در این جریان از خود به نمایش گذاشتند، به گونه‌ای که در کنار سیاستهای اعلامی خود، یک سیاست پنهانی اعلام نشده را نیز دنبال می‌کردند. به این معنا که در مقطعی در مواجهه با افزایش فشار آمریکایی‌ها، پاکستانی‌ها سعی می‌کردند، با گرفتن یکی دو طالب و تحویل آن به نظامیان آمریکایی‌ها از این فشارها بکاهند و از طرف دیگر آی‌اس‌آی (سرویس اطلاعاتی- امنیتی) سعی می‌کرد به "طالبان" کمک‌هایی برساند و به "طالبان" اینگونه وانمود کند که در پشت پرده از آنها حمایت می‌کند و تنها به دلیل فشارهای آمریکاست که در مقطعی مجبور می‌شود دست به اقداماتی علیه "طالبان" بزند و ناچاراً در مقاطعی به لحاظ تبلیغاتی باید با آمریکایی‌ها و یا ناتو هماهنگ باشد.

**این سیاست تا چه میزان به پاکستانی‌ها کمک کرد؟**

حقیقت آنست که این سیاست پیش نرفت. هر چند در مقطعی توانست به پاکستان در اتخاذ سیاست دوگانه کمک کند ولی در نهایت وقتی آمریکایی‌ها در پاکستان دچار مشکل شدند و فرماندهان ناتو متوجه شدند که دست حمایت‌های پاکستان و سرویس اطلاعاتی این کشور پشت سر "طالبان" است و همین امر سبب تقویت "طالبان" و القاعده در منطقه می‌شود، فشارها بر دولت پاکستان به شدت افزایش یافت. به طوری که دولت پاکستان مجبور شد بخش مهمی از حمایت‌های پشت پرده خود از "طالبان" را قطع کند. از آن زمان به بعد "طالبان" محلی ("طالبان" پاکستانی) علیه دولت پاکستان وارد عمل شدند و متعاقباً جریان سوات و حوادثی در مناطق قبیله نشین به وجود آمد و ارتش پاکستان تحت فشار آمریکا مجبور شد به آن منطقه رفته و با "طالبان" بجنگد، در نتیجه آن اتفاق، "طالبان" از

فرصت استفاده کردند و بخشی از نیروهای (بالاخص نیروهای عملیاتی) خود را در قالب آوارگان به سمت شهرهایی همچون کراچی، اسلام‌آباد و... فرستادند. و این بمب‌گذاری‌هایی که شاهد شدت گرفتن آن هستیم به این دلیل است که آن نیروهایی که قبلاً با پاکستانی‌ها همکاری می‌کردند، در حال حاضر پاکستان را علیه خودشان می‌بینند و متحد آمریکا. این تحول در سیاست پاکستان عامل اصلی تشدید حملات "طالبان" در شهرهای مختلف پاکستان است. به گونه‌ای که پاکستان هر روز شاهد حملات انتحاری و بمب‌گذاری در شهرهای مختلف است.

### هدف "طالبان" تنها فشار آوردن بر دولت است؟

آنها هدفشان اینست که پاکستان را ناامن و در سایه این ناامنی دولت یا دوباره وارد مذاکره با "طالبان" شود و با آنها کنار بیاید و یا اینکه در نهایت "طالبان" پیروز و دولت را ساقط کنند و قدرت را در آنجا در دست گیرند. که البته این مسئله با توجه به حمایت‌های آمریکا و ناتو و جامعه جهانی از دولت پاکستان شدنی نیست. اما حداقل هزینه‌ای که آنها می‌توانند برای دولت به وجود بیاورند اینست که در مناطق پشتون‌نشین، "طالبان" در حال فشار آوردن به نیروهای دولتی و ارتش پاکستان هستند. مناطق پشتون‌نشین بسیار حساس بوده و "طالبان" در حال تسلط یافتن در این منطقه هستند و توافقی را نیز با دولت دارند که احکام اسلامی خاص خود را داشته باشند. به عبارتی قوه قضاییه پاکستان در این مناطق قدرتی ندارند و "طالبان" در این مناطق قدرت را در اختیار دارند. به عبارتی دولت مرکزی پاکستان بر سر دو راهی با آمریکا و نیروهای "طالبان" (پاکستانی) قرار گرفته است.

جنگ میان "طالبان" و دولت پاکستان به مرحله حساسی رسیده است. اهمیت این حساسیت بدان است که دولت پاکستان تا چه میزان با آمریکایی‌ها همکاری کند. البته این نکته را باید در نظر گرفت که پاکستان راهی جز همکاری با آمریکایی‌ها ندارد، چون در غیر این صورت کشور پاکستان قربانی تروریسم خواهد شد و شرایط در حال حاضر به گونه‌ای است که پاکستان بین سرکوب "طالبان" و اخراج سازمان القاعده در مناطق قبیله نشین و یا اضمحلال قدرت ملی خود و یا تجزیه کشور راه دیگری پیش‌رو ندارد.

### نقش آمریکایی‌ها در این دو راهی چیست؟

آمریکا برای پاکستانی‌ها این قضیه را روشن کرده است که پاکستان یا باید با آمریکایی‌ها کاملاً همکاری کند تا آمریکا در افغانستان پیروز شود و یا آمریکایی‌ها کشور پاکستان را قربانی خواهند کرد. بنابراین پاکستان در شرایط بسیار حساسی قرار دارد و سرنوشت این کشور به این مسئله بستگی دارد که با آمریکایی‌ها همکاری کند و اگر هم در پشت پرده آی‌اس‌آی بخواد اطلاعاتی ناچیزی به "طالبان" بدهد، دیگر همانند گذشته نخواهد بود. چرا که در حال حاضر پاکستان دیگر نمی‌تواند هم سیاست پشت پرده داشته باشد و هم سیاست اعلامی.

بنابراین آی‌اس‌آی دیگر نمی‌تواند همانند گذشته عمل کند. ؟

بله. به اعتقاد من همین‌طور است. به نظرم سرویس اطلاعات پاکستان در حال حاضر قانع شده که باید میان "طالبان" و بقای کشور یکی را انتخاب کند. به اعتقاد من آی‌اس‌آی بقای کشور را انتخاب کرده است.

اخیرا ملاقاتی میان کرزی و سراج‌الدین حقانی (یکی از رهبران "طالبان") صورت گرفته است که رییس اردوی پاکستان و رییس آی‌اس‌آی نیز در آن حضور داشتند، هدف پاکستان از شرکت در این جلسه چه بود؟

قبل از پاسخ به این پرسش این نکته را باید اضافه کنم که وقتی از طالب سخن می‌گوییم، طالب یکپارچه نیست. هر چند زمانی که از طالب سخن به میان می‌آید برداشت همگی یکسان است ولی واقعیت اینست که "طالبان" شامل طیف گسترده‌ای از حزب اسلامی حکمتیار، گروه حقانی (نزدیکترین گروه که با آی‌اس‌آی کار کرده است) و "طالبان" محلی و سازمانهای وابسته به آن هستند. در کنار اینها سازمانهای کشمیری نیز شامل این دسته می‌شوند که "طالبان" آنها را برای مقابله با هند به کار می‌گیرند، همچنان که پاکستان از گروه حقانی برای مقابله با افغانستان استفاده می‌کند.

ولی در حال حاضر به نظر می‌رسد که شاید آی‌اس‌آی به این نتیجه رسیده است که دیگر نمی‌تواند از هیچ گروهی در افغانستان حمایت کند، چرا که این گروهها در حال حاضر خطر اصلی برای آمریکا و ناتو هستند. بنابراین هم‌اکنون مسئله تنها افغانستان نیست، اگر قضیه تنها این بود، پاکستانی‌ها می‌توانستند همان سیاست را ادامه دهند. چرا که افغانستان امن به معنای ناامنی پاکستان خواهد بود. بنابراین هر قدر که ناامنی در افغانستان بیشتر شود، قدرت و نفوذ پاکستان در افغانستان نیز بیشتر می‌شود. اگر این سیاست را به عنوان یک استراتژی توافق شده بین حاکمیت (ارتش، آی‌اس‌آی، دولت و احزاب اصلی) مورد بررسی قرار دهید، در آن صورت می‌توان گفت که در حال حاضر باید بخشهایی از آن نیروهایی که قبلا با پاکستان همکاری می‌کردند را نجات بدهند و نجاتشان در حال حاضر در جنگ با آمریکا نیست و نجاتشان در اینست که با دولت کرزی به نوعی تفاهم برسند تا بتوانند در ساختار قدرت در کابل شرکت کنند و از این طریق آنها، پایگاه پاکستان در دولت افغانستان باشند. به اعتقاد پاکستانی‌ها این سیاست به مراتب بهتر از کاربرد سیاست قهرآمیز و سازماندهی عملیاتی برای مقابله با ارتش آمریکا و ناتو در کابل است. به نظرم واقع‌بینی جنرال‌های اردوی پاکستان آنها را به این نتیجه رسانده که شکست آمریکا و دولت افغانستان که در نهایت روی کار آمدن دولت "طالبان" را به همراه خواهد داشت، در کوتاه‌مدت امکانپذیر نیست، بنابراین تا آنجایی که بتوانند نیروهای نزدیک به خود را تشویق می‌کنند که با آمریکایی‌ها وارد مذاکره شوند و از این طریق پاکستان بتواند در آینده از این امتیازات بهره کافی را ببرد.

به عبارتی آی‌اس‌آی در افغانستان از "طالبان" حمایت می‌کند اما در داخل قربانی "طالبان" پاکستانی می‌شود، دولت مرکزی در این میان چه موضعی دارد؟

تنها موفقیتی که دولت در برخورد با این حملات داشته، اینست که تا به حال در مقابل فشارها ایستادگی کرده و تن به سقوط نداده است. به عبارتی با حمایت آمریکا و ناتو و ارتش، دولت همین که سقوط نکرده، موفقیت بزرگی است. پاکستان در شرایط بسیار سختی قرار دارد. شاید بتوان گفت که تفکر "طالبانی" بر شصت درصد جمعیت پاکستان تسلط دارد، لذا نمی‌توان جامعه پاکستان و افغانستان را جدای از معضل "طالبان" در نظر گرفت. برای درک واقع‌بینانه چالش‌های کنونی این کشور باید به تفکر طالب‌اندیشید. تفکر "طالبان" ریشه در جامعه پاکستان و افغانستان و مدارس مذهبی این دو کشور دارد که در مجموع تعداد محصلین آنها بالغ بر یک میلیون دانش‌آموز است.

از آنجایی که جامعه به شکلی مدرن نمی‌تواند دارای سیستم آموزشی باشد، در اکثر مناطق مکتب وجود دارد که همین مکتب‌ها رواج دهنده فرهنگ طالب هستند. پاکستان به عبارت روشن با طیف وسیعی از معضلات و مشکلات اعم از معضلات خارجی با دولت هند، معضل کشمیر، مسئله قومیتی پشتون، پنجابی، سندی، بلوچی، تضاد شیعه و سنی روبروست. اگر پاکستان را با این چالش‌ها و معضلات در نظر بگیرید، در می‌یابید که تا همین جا که دولت سقوط نکرده، واقعا کار بزرگی انجام داده است. در مجموع باید گفت که دولت پاکستان دولت قوی نیست و هر زمان که اردو اراده کند می‌تواند قدرت را از دست دولت کنونی خارج کند. و در نهایت اینکه این مسئله به نوع تعامل میان ارتش و دولت نیز بستگی دارد.

**پیش‌بینی شما از آینده چیست؟ آیا پاکستان همچنان صحنه تشدید خشونت‌ها و حملات انتحاری خواهد بود و یا دامنه همگرایی پاکستان با نیروهای آمریکایی سرانجام به نتیجه خواهد رسید؟**

وضعیت در پاکستان بستگی به وضعیت افغانستان و کشمیر دارد. پاکستانی‌ها امیدوارند با سیاست اوباما و همچنین سیاست پترائوس با هدف خروج افغانستان از وضعیت بحرانی و همچنین خروج شهرها و مناطق روستایی از فقر و ایجاد اشتغال و در مرحله بعد جذب این "طالبان" در شغل‌های دولتی ایجاد شده، گروه کوچکی از "طالبان" باقی بماند که در نهایت بتوان با آنها از طریق نظامی برخورد و آنها را ریشه‌کن کرد.

به عبارتی دو طرف سعی دارند "طالبان" را از گروه و توده مردمی جدا کنند. اگر این سیاست که در عراق هم جواب داده است، در افغانستان هم جواب بدهد، در آن صورت می‌توان گفت که در صورت حصول تفاهم میان دولت و "طالبان" و عملی شدن این طرح این سیاست بتواند در پاکستان نیز جواب داده و "طالبان" بتوانند در قدرت سهیم بشوند.

من تصور نمی‌کنم که بتوان "طالبان" را از قدرت در پاکستان و افغانستان حذف کرد. چرا که این احتمال وجود دارد که دولت مناطق پشتون‌نشین را به "طالبان" واگذار کند. یعنی این ززمه‌ها وجود دارد که در یازده ایالت واقع در افغانستان به اضافه سرحدات پاکستان به اضافه مناطق سواحلی حکومت‌هایی به وجود بیاید که "طالبان" در آن حکومت اسلامی خاص خود را تشکیل داده و در عین حال کشور هم از خطر تجزیه نجات یابد.

به جز راهکار پترائوس می‌توان برای حل معضل تقسیم قدرت میان "طالبان" و دولت راه حل دیگری متصور بود؟

شاید با رشد احزاب لاییک و ایجاد بسترهای سیاسی، به مرور زمان بتوان "طالبان" را خلع سلاح و آنها در انتخابات شکست داد. تنها در این صورت است که ممکن است وضعیت تغییر کند و من تصور می‌کنم که تا آن زمان "طالبان" همچنان به حملات خود علیه دولت ادامه خواهند داد.